



آچه باید در مورد مدیریت سرمایه و ریسک بدانید + پادکست

فرض کنید شما فردی هستید که در بازار خودرو سرمایه‌گذاری می‌کنید. برای اینکه بتوانید در این بازار سود بالایی به دست آورید، مطمئناً به دنبال این هستید که خودروی خود را زمانی که شرایط بازار مساعد است، بخرید و با یک حاشیه سود مناسب بفروشید. از طرفی دوست ندارید خودروی خودتان را به قیمت کمتر از قیمت خرید بفروشید و در تلاش هستید تا آن را به بالاترین قیمت بفروشید. در واقع شما در چنین حالتی، در حال مدیریت سرمایه خود هستید و ریسک ناشی از فروش خودرو به قیمت پایین، شما را تهدید می‌کند. به زبان ساده به این کار مدیریت سرمایه و ریسک گفته می‌شود.

پیش از خواندن ادامه این مطلب، پیشنهاد می‌کنیم به **پادکست** زیر که حاوی نکاتی در مورد **ریسک**، **ضرورت توجه به ریسک** و **درکسب و کار و نحوه مدیریت ریسک در کسب و کار** است، گوش دهید.

[audio mp3="https://gazellecg.com/wp-content/uploads/2022/09/RiskFF.mp3"][/audio]

تعریف ریسک به زبان ساده و نحوه مدیریت آن

ریسک واژه جدیدی برای ما نیست و همه ما هر روز با ریسک‌های مختلفی در زندگی روبرو هستیم؛ برای مثال زمانی که در حال رانندگی هستیم، در حال ریسک کردن هستیم یا حتی وقتی که یک سازمان را مدیریت می‌کنیم، ریسک‌های مختلفی مثل کاهش فروش، کمبود مواد اولیه، افزایش قیمت کالاها در کمین ما است.



اگر بخواهیم دقیق‌تر توضیح دهیم، می‌توانیم بگوییم خطراتی که ما را تهدید می‌کند، به احتمال میان بازده واقعی سرمایه‌گذاری و آنچه مورد انتظار سرمایه‌گذار است، اشاره دارد. یعنی شما انتظار دارید خودرویتان ۱۰۰ میلیون فروش برود اما این احتمال وجود دارد که به قیمت ۹۵ میلیون به فروش برسد.

با این توضیحات، می‌توانیم بگوییم مدیریت ریسک (Risk Management) به فرآیند شناسایی، ارزیابی و کنترل خطرات سرمایه و دستاوردهای یک سازمان گفته می‌شود. عوامل سرمنشاء آن شامل عدم قطعیت‌های مالی، مسئولیت‌های قانونی، مسائل فناوری، خطاهای مدیریت استراتژیک، اتفاقات و حوادث طبیعی هستند.

یک برنامه موفق برای مدیریت ریسک، برنامه‌ای است که به سازمان کمک می‌کند تا بتواند جوانب مختلف ریسک‌هایی که با آن روبرو می‌شود را در نظر بگیرد.

زمانیکه ریسکی را مدیریت نمی‌کنیم؛ پس ریسکی نداریم. وقتی ریسک‌ها را مدیریت می‌کنیم، درک می‌کنیم کدام ریسک‌ها ارزشش را داشته‌اند، کدام ریسک‌ها ما را به اهدافمان می‌رسانند و برای کدام ریسک‌ها باید بها پرداخت کرد

[آلا والنت، ارزیاب ارشد مدیریت ریسک در شرکت فارستر](#)

فرآیند مدیریت ریسک

بر طبق [کتاب استاندارد ISO ۳۱۰۰۰](#) که یکی از شناخته‌شده‌ترین منابعی است که در زمینه این زمینه منتشر شده است، فرآیند مدیریت ریسک مراحل زیر را در بر می‌گیرد:



بر طبق شکل بالا می‌توان گفت گام‌های این فرآیند تا حدود زیادی مشخص‌اند اما تیم‌هایی که مسئول انجام آن هستند، باید با دقت بالا، مسئولیت انجام هر کدام از این گام‌ها را بپذیرند و برای رسیدن به نتیجه مطلوب، نباید هیچ‌کدام از این مراحل را



دست‌کم بگیرند. هدف نهایی این فرآیند، توسعه مجموعه اقداماتی است که از طریق آنها بتوان به موارد زیر دست پیدا کرد:

- شناسایی ریسک‌هایی که سازمان‌ها با آن روبرو می‌شوند
- درک احتمال و تاثیر ریسک‌های مختلف
- ارتباط میان ریسک‌ها و حداکثر ریسکی که سازمان نسبت به آن پذیرش دارد
- برداشتن گام‌های لازم برای حفظ و ارتقاء ارزش سازمان

انواع ریسک‌ها



دسته‌بندی ریسک‌هایی که در یک سازمان وجود دارد، به آنها کمک می‌کند تا نگاهی جامع به ریسک‌ها داشته و بتوانند آن را کنترل کنند.

- ریسک‌های استراتژیک (مثال: شهرت، روابط مشتریان، نوآوری‌های فنی)
- ریسک‌های مالی (مثال: مالیات، اعتبارات، بازار)
- ریسک‌های حاکمیتی و انطباقی (مثال: اخلاق کسب‌وکار، تجارت بین‌الملل، نظارتی)
- ریسک‌های عملیاتی (مثال: امنیت و حریم خصوصی، زنجیره تامین، مسائل نیروی کار)



با چه استراتژی‌هایی می‌توان ریسک‌ها را مدیریت کرد؟

تیم‌های که مسئولیت اصلی مدیریت کردن ریسک‌های مختلف یک سازمان را بر عهده دارند، معمولاً با توجه به اهداف سازمانی، از استراتژی‌های زیر برای مدیریت و کنترل ریسک‌ها (بسته به اینکه احتمال رخ دادن و شدت آنها چقدر است)، استفاده می‌کنند:

استراتژی لازم برای اینکه سازمان‌ها هیچ ریسکی نداشته باشند:

- **استراتژی اجتناب از ریسک:** در این رویکرد سیاست‌ها، فناوری، آموزش نیروی انسانی و دیگر اقدامات درون سازمانی در راستای عدم مواجه شدن با هر گونه ریسکی انجام می‌شود.

استراتژی‌های لازم برای اینکه سازمان‌ها ریسک قابل قبول داشته باشند:

- **استراتژی کاهش ریسک:** در این رویکرد سیاست‌ها، فناوری، آموزش نیروی انسانی و دیگر عناصر سازمانی برای کاهش ریسک به یک سطح قابل قبول در سازمان دلالت دارد.
- **استراتژی انتقال ریسک:** در این رویکرد، سازمان با یک شخص ثالث قرارداد می‌بندد تا طرف سوم بتواند تمام یا بخشی از هزینه‌های ریسکی را که احتمال دارد رخ دهد، تقبل کند.
- **استراتژی قبول ریسک:** این استراتژی، ریسک موجود را می‌پذیرد؛ زیرا هزینه کاهش و پتانسیل لازم برای آسیب به سازمان بسیار کم است.

برای اینکه بتوانید استراتژی‌های فوق را در سازمان پیاده‌سازی کنید، نیاز به برنامه‌ریزی‌های یکپارچه و افراد مناسب در سازمان دارید که بتوانند شما را در جهت رسیدن به اهداف سازمان هدایت کنند. یکی از راهکارهایی که می‌تواند بخش بزرگی از چالش‌های شما در نحوه مدیریت ریسک سازمان‌تان را حل و فصل کند، **راهکار مدیریت هوشمند استراتژیک** است که با پیاده‌سازی موفق در سازمان‌ها توانسته **ریسک‌های آنها** را به میزان قابل توجهی **کاهش و سودآوری آنها** را تا چندین برابر **افزایش دهد**.

پس از آشنایی با مفهوم Risk و مدیریت آن، و همچنین آشنایی با انواع ریسک‌ها و استراتژی‌های مدیریتی، به مفهوم مدیریت سرمایه و توضیحات مربوط به آن می‌پردازیم.

پیش از خواندن مطلب مربوط به مدیریت سرمایه، پیشنهاد می‌کنیم شنونده **پادکست** زیر باشید تا در ابتدا با مفهوم **مدیریت سرمایه در کسب‌وکار** و نکاتی که هر کسب‌وکاری باید آنها را رعایت کند، آشنا شوید.

[audio mp3="https://gazellecg.com/wp-content/uploads/2022/09/InvestFF.mp3"][/audio]



مدیریت سرمایه چیست؟

این مفهوم برای بسیاری از افراد یک مساله ناشناخته است و درک درست یا کاملی از آن ندارند. به زبان ساده می‌توان گفت **Capital Management، مدیریت پول‌های سازمان است؛** یعنی با کمک استراتژی‌های مالی، جریان‌های مالی یک سازمان حداکثر شود.

این مطلب را هم بخوانید:

چگونه سودآوری و عملکرد کسب و کارمان را افزایش دهیم؟

کلیک کنید

استراتژی‌های مدیریت سرمایه

استراتژی‌هایی که بواسطه آنها می‌توان سرمایه یک سازمان را مدیریت کرد، در ۳ دسته زیر قرار می‌گیرند و انتخاب هر کدام از این سه استراتژی، کاملاً بستگی به میزان ریسک‌پذیری سازمان و نوع نگاه آن به سرمایه دارد.

- **استراتژی‌های محافظه‌کارانه:** در این رویکرد سازمان ترجیح می‌دهد سود کمتری بدست آورد اما اصل دارایی حفظ شود و سرمایه‌اش امنیت داشته باشد. در حقیقت، سرمایه‌گذاری بلندمدت همراه با نرخ بهره و سود پایین‌تر اتفاق می‌افتد.
- **استراتژی‌های تهاجمی:** سازمان‌هایی که این استراتژی را انتخاب می‌کنند، در کوتاه مدت به دنبال بالاترین میزان از سود هستند. در واقع با پذیرش ریسک بالاتر، کسب سود بیشتر را ترجیح می‌دهند.
- **استراتژی‌های پوششی:** این استراتژی، در میان دو استراتژی محافظه‌کارانه و پوششی قرار می‌گیرد. بطور کلی تنوع این نوع استراتژی‌ها بسیار زیاد است و شاید نتوان تعریف دقیقی از آن ارائه کرد. با این حال، فعالان حوزه مدیریت سرمایه از رویه‌هایی برای مدیریت ریسک و بازده سرمایه در کوتاه مدت و بلند مدت استفاده می‌کنند.

الگوی مدیریت سرمایه در بازارهای مالی

مدل‌های مختلفی برای مدیریت سرمایه در بازارهای مالی وجود دارد که در ادامه به ۵ مورد از مهم‌ترین مدل‌های مالی که سازمان‌ها از آنها استفاده می‌کنند، صحبت می‌کنیم.

۱- **مدل سه بخشی:** این مدل از سه بخش **صورت سود و زیان، ترازنامه و جریان نقدی** تشکیل شده است. هدف این مدل ارتباط میان حساب‌ها و مفروضات آنها با یکدیگر به منظور ایجاد تغییرات در کل مدل است.



۲- **مدل جریان نقدی تنزیل شده (DCF)** این مدل بر اساس مدل سه بخشی و در جهت ارزش گذاری یک سازمان بر اساس ارزش خالص فعلی جریان نقدی آینده کسب و کار کار می کند.

۳- **مدل ادغام کننده (M&A)** این مدل، مدل پیشرفته تری است که برای ترکیب و ارزیابی عوامل ادغام کننده مالی مورد استفاده قرار می گیرد. این مدل عمدتاً توسط بانک های سرمایه گذاری و واحدهای توسعه ای سازمان ها مورد استفاده قرار می گیرد.

۴- **مدل عرضه اولیه عمومی (IPO)** بانکداران سرمایه گذار و متخصصان توسعه کسب و کار از مدل های IPO پیش از عرضه عمومی برای سازمان خود استفاده می کنند. این مدل ها بررسی میزان تمایل سرمایه گذاران در شرکت ها را اندازه گیری می کنند.

۵- **مدل خرید اهرمی (LBO)** یک معامله خرید اهرمی معمولاً نیازمند مدل سازی برنامه های پیچیده بدهی و شکل پیشرفته ای از مدل سازی مالی است. این نوع مدل ها در خارج از سرمایه گذاری خصوصی یا بانکداری سرمایه گذاری چندان رایج نیستند.

در مورد **مدل های مدیریت سرمایه در بازارهای مالی** می توانید این صفحه را مطالعه کنید.

نقش مدیریت سرمایه در کسب و کارهای کوچک

مدیریت سرمایه در هر سازمانی و با هر اندازه ای اهمیت ویژه ای دارد. حال اگر یک کسب و کار کوچک باشد، می تواند با تمرکز بالاتری نسبت به مدیریت سرمایه های در گردش خود، اقدامات مناسب و به موقعی انجام دهد تا در زمان درست، جلوی ضرر را بگیرد.

در تعریفی ساده از مدیریت سرمایه در گردش در کسب و کارهای کوچک، می توانیم بگوییم که این مفهوم زمانی معنا پیدا می کند که یک طرح کسب و کار یا بیزینس پلن به گونه ای پیاده سازی شود که یک کسب و کار با استفاده و نظارت بر دارایی ها و بدهی های موجود خود بتواند عملکرد مناسبی داشته باشد.

انجام چنین کاری برای موفقیت هر کسب و کار کوچک ضروری است. در حقیقت، کسب و کارهایی که زیان ده هستند، اگر دانش کافی در زمینه مدیریت دانش را یاد بگیرند و سرمایه را به شکلی کارآمد مدیریت کنند، سود بیشتری به دست می آورند و می توانند مدیریت اثربخشی داشته باشند، زیرا:

- دارایی های جاری در برخی از شرکت ها مساوی کل دارایی های آنها است که با مدیریت صحیح می توان سودآوری را افزایش داد.
- ثروت سهامداران کسب و کار به جای کسب سودهای حسابداری، به تولید پول نقد می انجامد.
- اگر کسب و کار نتواند سرمایه در گردش را به درستی مدیریت کند، منجر به **سقوط شرکت** می شود.



پس از اینکه از دلایل اهمیت مدیریت کردن سرمایه در کسب و کار کوچک صحبت کردیم، باید نسبت به این موضوع، دو هدف کلی در کسب و کار خود را به خوبی در نظر بگیریم:

۱- **مدیریت پرداخت‌های به موقع از جانب مشتریان:** یعنی یک کسب و کار با توجه به سررسیدهای زمانی، در زمان مناسب بتواند پرداخت‌های مشتریان را وصول کرده تا قادر باشد تعهداتش را نسبت به تامین نیازهای کسب و کار (پرداخت حقوق کارکنان، هزینه‌های جاری و متغیر و...) ایفا کند.

۲- **کسب سود:** اگر حجم سرمایه در گردش یک کسب و کار زیاد باشد، بازدهی؛ پایین یا تقریباً صفر خواهد بود. بنابراین با کاهش این میزان از سرمایه در گردش، کسب و کارها به یکی از مهم‌ترین اهداف خود یعنی سودآوری دست پیدا می‌کنند.

جمع بندی

هرچقدر که در یک کسب و کار، توجه به سودآوری اهمیت داشته باشد و در راستای آن برنامه‌ریزی‌های مناسبی صورت بگیرد، شناسایی و مدیریت کردن ریسک‌هایی که کسب و کارها را تهدید می‌کنند نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. در واقع منشاء بسیاری از مشکلاتی که کسب و کارها در بلند مدت با آنها روبرو می‌شود، ناشی از عدم توجه و برنامه‌ریزی مناسب برای مدیریت ریسک و سرمایه در کسب و کارها است. بنابراین توصیه می‌شود همه کسب و کار این موضوع را دست کم نگیرند و با شناسایی و انجام اقداماتی که در این مطلب به آنها اشاره کردیم، سازمان خود را بیمه کنند.